

به گزارش روابط عمومی دفتر امام جمعه لاریجان : ۱۴ مهر ماه
سال ۱۴۰۲

برگزاری خطبه نماز جمعه در شهر رینه.

خطبه اول:

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين أحمده و أشكره و
أستعينه و أستغفره و أتوكل عليه و أصلي و أسلم على حبيبه و نجيبه
و خيرته في خلقه حافظ سرّه و مبلّغ رسالاته بشير رحمة و نذير
نقمته سيّدنا و نبينا و حبيب قلوبنا أبا القاسم المصطفى محمّد و على
آله الأطيبين الأطهرين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى
يوم الدين.

قَالَ اللهُ الْعَظِيمُ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ :

« قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ

الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. » جمعه/۸

ترجمه:

" بگو: عاقبت مرگی که از آن می گریزید شما را البته ملاقات

خواهد کرد و پس از مرگ به سوی خدایی که دانای پیدا و پنهان

است باز گردانیده میشوید و او شما را به آنچه می کرده اید آگاه

میسازد."

" أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا خَيْرٌ مَا تَوَصَّى الْعِبَادُ بِهِ وَ

خَيْرُ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ " خودم و همه بندگان خدا را به رعایت

تقوای الهی و نظم در امور سفارش میکنم که سفارشی والاتر از این

مهم در عالم هستی وجود ندارد. تقوا تکیه گاه اصلی هر مؤمنی است که اگر به آن تکیه کند پس از مرگش دستانش خالی نخواهد بود و به جایی می رسد که تمام کارها و رفتارها و حتی نیات آدمی به تقوا متصل و با آب گوارای إخلاص شسته می شود. پس بندگان خدا إتقوا الله! روایتی که جمعه گذشته از وجود مبارک إمام عسکری (ع) از روایت شناس کم نظیر مرحوم علامه مجلسی در جلد هفتاد و هشتم «بحار الأنوار» نقل شد که دارای سه بخش بود و إمام (ع) در یک بخش سفارش فرمودند: زیاد اهل ذکر خدا باشید. البته ذکر خدا معانی مختلفی دارد و ذکر بوسیله انسان ذاکر در شش بخش وجود او تحقق پیدا میکند: زبان، اعضا و جوارح، روح، نفس، قلب و باطن وجود

است که در کتابهای مهم توضیح داده اند و برای هر کدام هم یک آیه قرآن مؤید آورده اند. نهایتاً نتیجه هر زکری از این شش ذکر فلاح و رستگاری است چون آیات قرآن هر کدام را که با تعبیرات خودش بیان میکند به «لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ» ختم می شود. خود این فلاح هم چهار معنا و مصداق دارد بخصوص در آخرت! این یک بخش کلام امام است. دوم غفلت نکردن از مرگ: امام سفارش واجب دارند که مرگ و رفتن از دنیا همیشه برابر چشمتان باشد که این هم کار مشکلی نیست یادتان نرود که می میرید پس غفلت و فراموش نکنید! مرگ هم به عُمَرِ خاصی گِره نخورده است! جنین در رحم مادر می میرد، شیر خواره می میرد بچه می میرد نوجوان می میرد،

جوان، آدم متوسط الحال و پیرمرد می میرد. حالا در هر سنی که هستید فکر نکنید مرگ با شما فاصله طولانی دارد! مرگهای عجیب و غریبی در تاریخ و زمان خودمان اتفاق افتاده که واقعاً درس پند و عبرت است. کتاب نسبتاً مفصّلی برای قرن چهارم و تقریباً ۱۱۰۰ سال پیش نوشته شده است. نویسنده کتاب نزدیک آرامگاه فردوسی در شهر توس که آدم عالم و در زمان خودش چهره معروف علمی بوده دفن است. ایشان در این کتاب می نویسد حاکم قدرتمندی بود که علاوه بر قدرت و سلطنت و حَشَم و خَدَمش بادِ سنگینِ تکبری هم به وجودش حاکم بود. جواب سلام کسی را ندهد احترام به کسی نگذارد خودنمایی اش خیلی شدید و منیّتش خیلی قوی باشد و در درون با

خودش حرف بزند که کسی مثل من در این ثروت، لشکر، خَدَم و حَشَم و کاخ سلطنتی که دارم نیست. البته انسان در لا به لای این امور حتی در مراحل کوچکترش خودش را گم میکند. حالا کسی حاکم و شاه نیست ولی ثروت خیلی خوبی دارد خانه ای دارد که از همه خانه ها بهتر است أَثَاثِ مُفَصَّل و گرانی دارد در این مسائل گم میشود و او را هوا بر میدارد که این منم طاووس عَلِیِّین شده ام! « يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ » فاطر/ ۱۵ همه شما در پیشگاه خدا تهیدست هستید. به این چیزهایی که دارید مغرور نشوید چون اینها ماندگار نیست! خدا نه به خانه ات، نه به کارخانه ات، نه به ریاست جمهوری ات نه به وکالت و وزارتت سیریش نمالیده که خیال بکنی از دستت

نمیرود! کُلّ مردم عالم تهیدست هستند و هیچ انسانی نسبت به املاکش مالک ذاتی نیست. روزی هم که مُردیم همه سندهایمان باطل میشود و دیگر مالک نیستیم. حالا که هیچ چیز ماندگار نیست من برای چی باد در دماغم بیندازم؟ خدا میداند غفلت چه زیان غیر قابل جبرانی دارد که آدم نسبت به خودش و عمرش بیدار زندگی نکند و دائم خواب باشد. یکی از علمای بزرگوار نقل میکرد و میفرمود: من یک رفیق روحانی داشتم که فوت کرده بود. آخوند خوب خدمتگزار و اثر گذاری بود. البته خیلی مایه علمی بالایی نداشت همان مقداری که داشت ده برابر خودش خدمت و کار کرد! داشت یکی از خاطره های تبلیغی و منبرش را برایم تعریف میکرد گفت: مرا به شهری در

جنوب استان خراسان دعوت کردند. هنوز خراسان سه تکه نبود
امامزاده ای در آن منطقه بود که آن زمان ها هنوز رسم نبود و سالن
نداشت منبر را داخل صحن چهار هزار متری آن امامزاده برای
آنوقتی که جمعیت ایران ۲۵-۲۶ میلیون جمعیت بیشتر نداشت بود
انداختند و برای یک منبری خیلی هنر بود اگر آنجا را پُر میکرد.
گفت شب دوم و سوم پُر شد. قبل از من عالم هفتاد و چند ساله ای که
أصلاً از اول در آنجا متولد شده بود و محاسن سفیدی داشت برای
اینکه مردم کم کم بیایند به منبر میرفت مثلاً بنا بود ۹ شب (تابستان)
از منبر پایین بیاید بعد ما منبر برویم. من یک ربع به نُه آمدم در
جلسه نشستم که ساعت ۹ منبر بروم او ولی ساعت نُه و ربع پایین

آمد. سرم را پایین انداختم و گفتم این پیر مرد خیال می کند این جمعیت برای او آمدند نمی فهمد در این شهر هشتاد سال منبر رفته سی نفر پای منبرش نبوده اند. حالا با دیدن این جمعیت مست کرده و می تازاند. دو سه بار با تلخی در دلم گفتم: خیال کردی این جمعیت برای تو آمده اند! در یک محل چهار هزار متری راه نبود و ما هم شاد که این جمعیت برای ما آمده نه برای آن شیخ مثلاً بی سواد! حالا ما روی منبر مستقر شده ایم و جمعیت هم جلوی چشم، باید شروع کنم اما هر چه به ذهنم فشار آوردم که من در این بیست سی ساله اول منبر چه می گفتم بسم الله هم یادم نیامد! حالا اِمشب بسم الله را نمی گویم خطبه را می خوانم اصلاً خطبه هم یادم نیامد! یک شعر بخوانم یادم

نیامد! امشب برای منبر عذر خواهی کنم و یک روضه بخوانم
روضه هم یادم نیامد که یک امامی به کربلا رفته، داغ جوان دیده،
داغ برادر دیده، بچه شش ماهه اش را کشتند اصلاً یادم نیامد! مردم
هم همه مات و مبهوت که ماده دقیقه روی منبر نشسته ایم چرا فقط
همه را نگاه می کنیم؟ عبايم را بعنوان سرفه کردن جلوی صورتم
آوردم سرم را زیر عبا بُردم و به پروردگار گفتم: با تمام وجودم غلط
کردم! پایین میروم و دست این روضه خوان را می بوسم مرا ببخش
و این کار مرا به قیامت نینداز. همه چیز یادم آمد یعنی آدم وقتی بی
خدا شود همه چیز را از او می گیرند و با خدا که باشد همه چیز به او
میدهند. این حاکم متکبر که چقدر هم ثروت جمع کرده بود گفت:

اسبی را با زین مُرَصَّع آماده کنند. سوار شد و با دنیایی از تکبر با
خَدَم و حَشَم راه افتاد. گاهی خدا این اتفاق را انداخته و وقتی مرگ
بیاید هیچ مهلتی ندارد اما هنوز نیامده در همان چند لحظه مهلت،
ممکن است ملک الموت با آدم حرف بزند. پادشاه دید کهنه پوشی
جلوی اُسب ایستاده است گفت: برو کنار! گفت: من آزادم و نمیخواهم
کنار بروم. تا آمد حرف دوم را بزند، این کهنه پوش اُفسار اُسبش را
گرفت پادشاه گفت: میدانی اُفسار اُسب چه کسی را گرفته ای؟ گفت:
اُفسار اُسب تو را گرفته ام اما میدانم که کسی نیستی. من ملک الموت
هستم و میخواهم جانت را بگیرم. پادشاه لرزید و به او گفت: چند
دقیقه به من مهلت بده که با این اسبم به کاخ بروم و یک دفعه دیگر

زنم و بچه ام را ببینم و خدا حافظی کنم. گفت: چنین مهلتی نداری!
حَشَم و خَدَم دیدند که جنازه از بالای آسب خم شد و روی زمین افتاد.
تمام شد! مرگ به قدرتمند بخاطر قدرتش روی بر نمی گرداند و هر
کس باشد بالای سرش می رود و می گوید بفرما. و اما در همین روایت
است که صاحب این کتاب نقل می کند: همان وقت مثلاً ده دقیقه دیگر
نوبت مُردن یک آدم مؤمن فروتن متواضع بزرگواری بود.
ملک الموت به همان حالت جلوی این مؤمن ظاهر شد مؤمن به او
گفت: چه کسی هستی؟ تا حالا تو را ندیده ام. خیلی آرام گفت: حالا
من را می بینی من کاری با تو دارم که باید در گوش تو بگویم. مؤمن
گفت: این گوش من بیا و بگو! دهانش را در گوش این مؤمن آورد و

گفت: وقت تمام شده من ملک الموت هستم باید برویم. اینطور که این کتاب نوشته اول به ملک الموت گفت: «مرحبا بك» خوش آمدی! بعد گفت: الحمد لله. ملک الموت گفت: حالا آمدن من شکر دارد؟! گفت: بله چون من خیلی وقت است منتظرت بودم و چشمم به در دنیا خشک شد که تو چه وقتی می آیی تا مرا در کنار رحمت پروردگارم ببری. الحمد لله که آمدی و پیدایت شد. بعد ملک الموت به او گفت: خدا به من فرموده پیش این بنده من رفتی درجا جانش را بگیر و به او پیشنهاد کن هر طوری خودت دلت میخواد من جانت را بگیرم. چقدر انسان مؤمن پیش پروردگار پُر قیمت و عزیز است و مقام دارد که به ملک الموت می گویند بی اجازه جانش را بگیر و بعد هم از

خودش بخواه که چگونه جانت را بگیرم! گفت: من پیش خدا مهلتی دارم که وضو بگیرم و دو رکعت نماز بخوانم جان من را در سجده آخر نماز بگیری که من در حال متواضع ترین وضع به ملاقات پروردگارم بروم؟ ملک الموت گفت: بلند شو وضو بگیر نمازت را بخوان جانت را در حال سجده میگیرم. این پُر ارزش ترین شکل مُردن است! امام عسکری (ع) میفرمایند: أصلاً مرگ را یادتان نرود که خبرتان نمی کند چه وقتی می آید. با بتون آرمه بودنِ دلت به زن و بچه، خانه، کارخانه و مقامت نمیری و ناله زنی که ای خدا چرا رحم نداری! من هفتاد سال است اینها را جمع کرده ام برای چه اینها را از من میگیری؟! مکن کاری که پا بر سنگت آید... جهان با این فراخی

تنگت آیو. چو فردا نامه خوانان نامه خوانند ... تو را از نامه خواندن

تنگت آیو.

خطبه دوم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الحمد لله رب العالمين و العاقبة لاهل التقوى و

اليقين والصلوة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين حبيب إله

العالمين أبى القاسم محمد، صلى الله عليه و آله و سلم وعلى آله

الأطيبين الأطهرين المنتجبين. اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ

وَصِيٍّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ آيَتِكَ الْكُبْرَى وَالنَّبَاءِ الْعَظِيمِ وَ صَلِّ عَلَى

الصَّدِيقِ الطَّاهِرِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى سِبْطِي

الرَّحْمَةِ وَ إِمَامِي الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيَّ بَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ صَلِّ

عَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلَى بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلَى بْنِ مُحَمَّدٍ
وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيَّ حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ وَ
أَمَنَاتِكَ فِي بِلَادِكَ.

دعای فرج..

اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَ اَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيْزًا. اَللّٰهُمَّ اَظْهَرْ بِهٖ دِيْنَكَ وَ
سُنَّةَ رَسُوْلِكَ حَتّٰى لَا يَسْتَخْفِيْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْحَقِّ مَخَافَةً اَحَدٍ مِّنَ الْخَلْقِ..

اوصيكم يا عبادالله و نفسي بتقوي الله و اخوفكم من عقابه.

با درود و سلام بي پاين به روح مطهر معمار كبير انقلاب اسلامي
ايران و دو فرزند گرانقدرش جميع مؤمنين و مؤمنات ، علما ، صلحا

، شهدای انقلاب، شهیدان ۸ سال دفاع مقدس، شهدای گمنام ، شهدای مدافع حرم و وطن و سلامت و علی الخصوص بیش از ۳۵۷ شهید خونین بال بخش لاریجان و با آرزوی طول عمر با عزت همراه با صحت و سلامتی برای مقام معظم رهبری در این خطبه دوم خودم و همه شما عزیزان را توصیه میکنم به تقوای إلهی و دوری از محرمات.

نکات این هفته نماز جمعه ۱۴ مهرماه سال ۱۴۰۲ را بمحضر شما نمازگزاران عزیز جمعه لاریجان عرضه میدارم.

نکته اول:

بیانات راهگشای مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام، سفرای کشورهای اسلامی و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و کشور های اسلامی و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و

مأیوس کننده دشمنان اسلام است. بزرگترین دسیسه امروز دشمنان تفرقه بین مسلمانان است و جهان اسلام امروز بیش از پیش به وحدت نیاز دارد. دشمن اتحاد کشورهای اسلامی کیست و اتحاد مسلمانان به چه کسانی ضرر میزند و مانع دست درازی و غارتگری و دخالتهای آنها میشود؟ ناامیدی دشمن امروزه فقط به برکت وحدت بین مسلمین است و در این میان اختلافات نیز به هیچ عنوان نباید منجر به دعوا و نزاع عملی شود. خدمت صادقانه به مردم یکی از عوامل تحقق وحدت و جلوگیری از تفرقه در جامعه است. به مسئولان و مدیران

در راستای خدمت صادقانه به مردم و تفاوت قائل نشدن بین اقشار و لایه های مختلف اجتماعی تاکید می کنم که تبعیض و ایجاد رانت و پارتی بازی باعث ایجاد مشکل و نارضایتی مردم می شود و هر نوع تبعیض برای سلامت اجتماعی جامعه بسیار خطرناک است.

نکته دوم:

همانطوریکه رهبر حکیم انقلاب در دیدار مسئولان نظام، سفرای کشورهای اسلامی و میهمانان کنفرانس وحدت فرمودند قمار عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی مانند شرط بندی روی آسب بازنده محکوم به باخت است! حضور این رژیم منحوس، ناپاک و خونریز در منطقه قطعاً دهن کجی به ده ها آیه قرآن و روایت است که شدیداً مسلمانها را نهی میکند که با دشمنان اسلام پیمان دوستی نبندید و

سرنوشت خود را دست آنها ندهید متأسفانه چندین کشور اسلامی عربی و غیر عربی به کسب رضایت نتانياهو خيلى رغبت دارند تا به کسب رضایت خداوند به راحتی سالروز تشكيل اين دولت خبيث را به رئيس آن تبریک می گویند وزراء خود را به اسرائيل می فرستند تا قبر داوید بن گوریون اولین نخست وزیر اسرائيل را زیارت و در برابر آن رکوع کنند سوخت آن رژیم جلاد را تأمین میکنند و با آن رژیم نامیمون و نامبارک مبادلات عظیم تجاری می بندند همه اینها به راحتی با مشاعر یک میلیارد و پانصد میلیون مسلمان بازی کردن و استهزاء به آیات قرآن است. بعد از هجوم وحشیانه مزدوران یهودی صهیونیستی رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه آیت الله میلانی در پیامی نوشت: ما از حمله و یورش چنگیزانه به ساحت حوزه علمیه قم گذشتیم از حبس و زجر رجال دینی و ملی گذشتیم از حمله به دانشگاه و مراکز علمی ملت و سلب هر نوع

آزادی فردی و اجتماعی چشم پوشیدیم از دزدی، فساد، تباهی و تجاوز به مردمان صالح و تقرب به دزدان و خیانتکاران گذشتیم از برادر گُشی هایی که در نقاط مملکت ترتیب داده اند صرف نظر کردیم اما این ننگ را کجا ببریم که مملکت اسلامی ما را دارند پایگاه اسرائیل و صهیونیست می کنند و افرادی را که با آنها هم دست داده اند در رأس کارها قرار می دهند! امروز این رژیم نه فقط از جمهوری اسلامی ایران بلکه از همه کشورهای اطراف خود همچون مصر و سوریه و عراق نیز لبریز از کینه و غیظ است. البته به تعبیر قرآن که میگوید: قُلْ مُؤْتُوا بِغَيْظِكُمْ. آل عمران/ ۱۱۹ «خشمگین باشید و از این خشم بمیرید» آنها در حال مرگ هستند و به یاری پروردگار این آیه درباره رژیم غاصب در حال تحقق است.

نکته سوم:

هفته وقف در سال جاری از ۱۰ الی ۱۶ مهر ماه در سراسر کشور را داریم. رسول گرامی اسلام (ص) در حدیثی میفرماید: چند چیز است که بعد از مرگ مؤمن پاداش آنها به او میرسد: علمی که از خود به یادگار گذاشته باشد، فرزند صالحی که جانشین خوبی برای او باشد، قرآنی که به ارث گذاشته باشد، مسجدی که ساخته، منزلی که برای مسافران در راه مانده بنا کرده، نهری که آن را جاری ساخته است و صدقه ای که در حال حیات و زندگی خود انجام داده است. (الترغیب و الترهیب، ج ۱، ص ۹۹، ح ۲۴). وقف باعث همدلی، تعاون و خیر اندیشی می باشد و دیگر کسی بفکر تنازع، تکاثر و تفاخر نیست. وقف، بهترین سرمایه ایست که سود آن را خدا میپردازد.

نکته چهارم:

فرارسیدن هفته نیروی انتظامی که از ۱۳ لغایت ۲۰ مهر می باشد را خدمت همه پرسنل فراجا و فرماندهان محترم این مجموعه مخصوصاً فرماندهی معظم استان مازندران و شهرستان آمل و سه منطقه گزنک، پلور و رینه تبریک عرض می نمایم. اگر ضروریات زندگی بشر را بخواهیم در چند فصل خلاصه کنیم یک فصل عمده از این فصول، فصل امنیت است. به بیان امام صادق علیه السلام: ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهَا الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ (تحف العقول، ص ۳۲۰) «مردم به سه چیز نیاز دارند: امنیت، عدالت و رفاه.» امنیت که نبود هیچ چیز نیست. به فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام: شَرُّ الْأَوْطَانِ مَا لَمْ يَأْمَنْ فِيهِ الْقُطَّانُ (غررالحکم، ح ۵۷۱۲) «بدترین وطن وطنی است که ساکنانش در آن ایمن نباشند.» و من در اینجا عرض می کنم حقیقتاً نیروی محترم انتظامی پناه دل‌های خائف و ترسان و جانمایی که تهدید می شوند هست. وجود نیروی انتظامی

أساس امنیت را در بیننده به وجود می آورد. این شأن نیروی انتظامی در جمهوری اسلامی است. شعار اِمسالِ بزرگداشت هفته نیروی انتظامی « شهروند قانون مدار، پلیس خدمتگزار» اعلام شده است. این شعار گویای یک واقعیت مهم است و آن اینکه نعمت و موهبت عظیم امنیت اجتماعی از سوی خداوند متعال وقتی نصیب یک ملت می شود که این دو رکن تأمین کننده امنیت در کنار هم قرار گیرد. به ساحت شهداء و خانواده های شهید این نیرو، به محضر جانبازان این سازمان اداء احترام و عرض ارادت می نماییم.

در پایان:

با توجه به شروع مدارس و حضور دانش آموزان برای درس خواندن مشکلاتی وجود دارد که نیاز به حمایت همه جانبه دارد. زحمات مجمع خیرین مدرسه ساز که حمایت می کنند قابل تقدیر

است. درس خواندن در مدرسه هایی که به دست خیرین بنا شده اند لذت دیگری دارد. بچه ها خوبی ها را بهتر حس می کنند و انجام کار نیک از کودکی در وجود آنها ریشه می دواند. با عنایت ریاست محترم مجمع خیرین مدرسه ساز بخش لاریجان مبلغ ۱۰ میلیون تومان برای تامین سوخت مورد نیاز مدارس ابتدایی لاریجان تخصیص دادند که صمیمانه تشکر می کنم.